

راههای اصلاح اخلاق در اندیشه علوی

امام علی(ع) زوال انسانی را به واسطه دست آلودگی به گناه را حتمی می‌داند و به مالک فرمودند: مالک! مبدا دستت آلوده بشود مبدا خودت را با تیر مسموم در معرض زوال قرار دهی؛ تو را به تقوای خدا امر می‌کنم.



امام علی(ع) زوال انسانی را به واسطه دست آلودگی به گناه را حتمی می‌داند و به مالک فرمودند: مالک! مبدا دستت آلوده بشود مبدا خودت را با تیر مسموم در معرض زوال قرار دهی؛ تو را به تقوای خدا امر می‌کنم.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از سنت‌های همیشگی آیت الله جوادی آملی و صاحب تفسیر تسنیم، تشریح و تبیین نامه‌ها و جملات مولای متقیان علی(ع) از کتاب نهج البلاغه می‌باشد که پیوسته دارای زیباییهای در فصاحت و بلاغت بوده و به اخ القرآن معروف است. در این میان نامه پنجاه و سوم آن حضرت گرچه خطاب به مالک اشتر نخعی است ولیکن ابعاد تربیت اخلاق فردی و اجتماعی بسیار قابل توجهی را مورد توجه قرار داده و انحصاری به آن زمان خاص ندارد و استاد جوادی آملی نیز تأکید خاصی نسبت به این بیانات نورانی حضرت امیر(سلام اله علیه) داشته و نکات بسیار ظریفی را گوشزد نموده اند:

یکم: حفظ اصل دین از اوجب واجبات

تلاش راهنمایان دینی در آزادی دین از چنگال بدخواهان دین یکی از توجهات آن بزرگواران در طول عمر شریف خود بوده و کرارا نسبت به رهایی آن توصیه نموده و دین اسیر را مانع پیشرفت مبانی اسلام می‌دانسته اند چنانکه وجود مبارک حضرت امیر(سلام الله علیه) نیز در نامه پنجاه و سوم به مالک اشتر مرقوم داشتند: «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا» ما دین اسیری داشتیم که آنرا آزاد کردیم و باید بکوشیم که دیگران این را به اسارت نبرند.

به تعبیر ایشان بیت‌الغزل این عهدنامه این است که آن حضرت فرمودند: مالک! دین که بود، اسلام و قرآن بود، نماز جماعت و نماز جمعه بود لکن این دین زنجیری بود و اسیر دست حکومت سقفي‌ها و امثال ذلک بود و غدیر را کنار گذاشتند و با سقیفه پیش آمدند. بنابراین قرآن اسیر و نماز اسیر کاری از پیش نمی‌برد چرا که این قرآن و آن نماز، مطابق میل هیئت حاکم عمل کرده و هرکس با سلیقه و غرض شخصی دین را تفسیر می‌کرد که نمونه‌های آن در مدتی نه چندان دور به چشم خورد و اسارت دین بدست نا اهلان نمو خاصی پیدا کرد. به عنوان مثال نبی مکرم اسلام (ص) که در هنگام فتح مکه، بتها را شکستند و بمانند حضرت ابراهیم(ع) بت شکن عصر خود بودند، بعد از مدت کوتاهی از رحلت شهادت گونه ایشان و در زمان معاویه، تفسیر از دین به آنجا ختم گردید که خلیفه مسلمین بتها را که نشکست هیچ بلکه آنها را مرصع می‌نمود و بخاطر جلب سود به کشورهای همسایه نیز صادر می‌کرد.

دوم: کسب تقوا مهمترین عامل بازدارنده نفوذ گناه

تقوا که از توصیه‌های دایمی مولای متقیان علی(ع) و سپری در برابر هجمه‌های نافرمانی خداست از دیگر سفارشات آن حضرت در نامه خویش به مالک اشتر علی(ع) است. ایشان در بخشی دیگر می‌فرمایند: ای مالک مهمترین کاری که تو را وادار و هدایت می‌کند تقوای خداست. تقوا از وقایه است و وقایه یعنی سپر داشتن لذا کسی که سپر در دستش است از اصابت تیر مصون است و هر جا تیری بخواهد بیاید فرد سپرش را بالا می‌گیرد تا محفوظ شود.

باور به اینکه گناه به منزله اصابت تیر است را انسان باید جدی بگیرد و طبق بیان استاد اخلاق حوزه، این اصابت فقط تشبیه نیست بلکه در روایات به آن تصریح شده است که: «النظرة سهم من سهام ابليس» نگاه به نامحرم تیر مسموم شیطان است، مال حرام اکالون للسهة همین است لذا در قرآن کریم نفرمود رشوه نگیرید فرمود چیزی که پوستتان را می‌کند نگیرید. سحت به چه چیزی می‌گویند؟ نهالی که تازه سبز شده و می‌خواهد رشد بکند اگر پوستش را بکنید این پس فردا مرده است؛ إسحات یعنی پوست کردن. فرمود: این رشوه، سحت است و پوست زندگی شما را می‌کند، پوست آبروی شما را می‌کند. یک وقت می‌بینید می‌گویند فلان کس مبتلا شده به اعدام یا به بیست سال زندان این همان پوست کردن است لذا فرمود: این کار را نکنید «اکالون للسهة» یعنی همین؛ اگر کسی رومی‌زی یا زیرمی‌زی بگیرد بالاخره پوستش کنده می‌شود چرا که این نظام، نظام حق است.

معظم له زوال انسانی را به واسطه دست آلودگی به گناه حتمی می‌داند چنانکه آن حضرت به مالک فرمودند: مالک! مبدا

دست آلوده بشود مبدا خودت را با تیر مسموم در معرض زوال قرار بدهی؛ تو را به تقوای خدا امر می‌کنم و «وَاِتَّاعَ مَا اَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَاِضِهِ وَ سُنَّهِ التِّي لَا يَسْعَدُ اَحَدٌ اِلَّا بِاِتِّاعِهَا» هیچ کس سعادت‌مند نمی‌شود مگر طبق رهنمود خدای سبحان؛ خدا فریضه‌ای و ستنی دارد که اگر کسی بخواهد از خطر نجات پیدا کند باید به آن فریضه عمل کند و اگر بخواهد به نفع و کمال برتر برسد به سنن او بها می‌دهد.

سوم: شتر چموش غضب و شهوت را کنترل کنید

صاحب تفسیر تسنیم با استناد به ادامه نامۀ آن حضرت چنین بیان داشته است: دوری از امیال و هوسهای باطنی و نیز پروراندن آرزوهای پوچ در خیال، انسان را به حیوانی سرکش و افسار گسیخته مبدل کرده و او را از هدف غایی و رسیدن به تکامل دور می‌سازد چنانکه آن حضرت به مالک مرقوم داشتند: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ» با میل زندگی نکن بعضی‌ها با میل کار می‌کنند می‌گویند من هر چه بخواهم می‌گویم، هر جا بخواهم می‌روم، هر چه بخواهم می‌خرم یعنی به میل حرکت می‌کنم؛ انسان ضابطه‌ای دارد حسابی و کتابی دارد، این‌طور نیست که جلوی‌ش باز باشد چرا که درباره این گروه خدای سبحان فرمود: لِيَقْجُرَّ أَمَامَهُ يَعْنِي أَوْ مَيَّ يَخَافُ جُلُوبِش باز باشد که هر فجوری بکند و کسی جلوی‌ش را نگیرد «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَقْجُرَّ أَمَامَهُ» لذا چنین آدمی متحرک بالمیل است نه به اراده، حیوان هم متحرک به میل است نه به اراده. فرمود: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ يَرْعَاهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ» این شتر جموح و چموش و سرکش را که می‌بینید در درون انسان هم وجود دارد و آن غضب یا شهوت است که جموحی و چموشی دارد لذا حضرت فرمود: «إِعْقِلْ وَ تَوَكَّلْ»، «فَإِنَّ التَّقْسَ أَمَارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ».*

*منبع: برگزیده بیانات آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق ۱۳/۱۲/۹۱